**پرسشنامه حساسیت خانواده به فرزند**

**هدف**: اندازه گیری میزان حساسیت والدین نسبت به فرزندان

خواهشمند است پس از خواندن هر سئوال، درجه توافق خود را با كشیدن یك ضربدر روی شماره ای كه با احساس شما بیشترین مطابقت را دارد، در پاسخنامه مشخص كنید.

نام و نام خانوادگی ::……………………. سن ::……………………. شغل :……………………. میزان تحصیلات :…………………….
نام و نام خانوادگی آزمونگر :……………………. تاریخ و محل اجرا :………………….

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | عبارات | کاملا مخالفم | مخالفم | مطمئن نیستم | موافقم | کاملا موافقم |
| 1 | وقتی فرزندم چیزی را می خواهد معمولا سعی می كنم كه آن را به دست بیاورم. |  |  |  |  |  |
| 2 | فرزندم آنقدر فعال است كه مرا به كلی درمانده كرده است. |  |  |  |  |  |
| 3 | فرزندم نامنظم به نظر می رسد و به سادگی حواسش پرت می شود. |  |  |  |  |  |
| 4 | نسبت به اغلب بچه های دیگر، تمركز و توجه برای فرزندم مشكل است. |  |  |  |  |  |
| 5 | فرزندم می تواند بیش از ده دقیقه خود را با یك اسباب بازی مشغول كند. |  |  |  |  |  |
| 6 | بیش از حد انتظار من حواس فرزندم پرت است.  |  |  |  |  |  |
| 7 | فرزندم فعال تر از حد انتظار من است. |  |  |  |  |  |
| 8 | هنگام لباس پوشیدن یا حمام رفتن، فرزندم مدام وول می زند و ایجاد ناراحتی می كند. |  |  |  |  |  |
| 9 | وقتی فرزندم چیزی می خواهد، می توان به آسانی او را از آن منصرف كرد. |  |  |  |  |  |
| 10 | فرزندم كمتر كارهایی را انجام می دهد كه بتواند مرا خوشحال كند. |  |  |  |  |  |
| 11 | بیشتر مواقع احساس می كنم كه فرزندم دوستم دارد و دلش می خواهد پیش من باشد. |  |  |  |  |  |
| 12 | گاهی احساس می كنم كه فرزندم دوستم ندارد و دلش نمی خواهد كه پیش من باشد. |  |  |  |  |  |
| 13 | گشاده رویی فرزندم نسبت به من، كمتر ازآن است كه من انتظار دارم. |  |  |  |  |  |
| 14 | وقتی كارهایی را برای فرزندم انجام می دهم، احساس می كنم كه ارزش زیادی برای آنها قائل نیست. |  |  |  |  |  |
| 15 | كدامیك از جمله های زیر فرزند شما را بهتر توصیف می كند.1- تقریبا همیشه دوست دارد با من بازی كند. 2- گاهی دوست دارد با من بازی كند. 3- برایش فرقی نمی كند كه با من بازی كند. 4- معمولا دوست ندارد با من بازی كند. 5- تقریبا هرگز دوست ندارد با من بازی كند. |
| 16 | ناراحتی و گریه های فرزند من:1- بسیار كمتر از آن كه انتظار دارم. 2- كمتر از آن است كه انتظار دارم. 3- تقریبا همان اندازه أی است كه انتظار دارم. 4- بیش از آن است كه انتظار دارم. 5- تقریبا دائمی است. |
| 17 | به نظر می رسد كه ناراحتی و گریه فرزندم من، از اغلب بچه های دیگر بیشتر است. |  |  |  |  |  |
| 18 | وقتی فرزندم بازی می كند اغلب لبخند نمی زند ( نمی خندد). |  |  |  |  |  |
| 19 | وقتی از خواب بیدار می شود، معمولا بد خلق است. |  |  |  |  |  |
| 20 | احساس می كنم كه فرزندم دمدمی مزاج است و به آسانی برافروخته می شود. |  |  |  |  |  |
| 21 | ظاهر فرزندم متفاوت از چیزی است كه انتظار داشته ام و این مسئله گاهی مرا ناراحت می كند. |  |  |  |  |  |
| 22 | به نظر می رسد كه فرزندم برخی از چیزهایی را كه یاد گرفته فراموش می كند و دوباره كارهایی را انجام می دهد كه مخصوص بچه های كم سن تر است. |  |  |  |  |  |
| 23 | بنظر می رسد كه فرزندم بتواند با همان سرعتی یاد بگیرد كه بیشتر بچه ها دیگر می توانند یاد بگیرند. |  |  |  |  |  |
| 24 | بنظر نمی رسد كه فرزندم به اندازه بچه های دیگر بخندد. |  |  |  |  |  |
| 25 | تعداد بسیار كمی از كارهای فرزندم مرا نارحت می كند. |  |  |  |  |  |
| 26 | توانایی فرزندم در حد انتظار من نیست. |  |  |  |  |  |
| 27 | فرزندم در آغوش گرفتن و ناز و نوازش را زیاد دوست ندارد. |  |  |  |  |  |
| 28 | وقتی فرزندم را از بیمارستان به منزل آوردم تردید داشتم كه توانایی مراقبت از او را داشته باشم. |  |  |  |  |  |
| 29 | والد بودن سخت تر از آن است كه فكر می كردم. |  |  |  |  |  |
| 30 | وقتی از فرزندم مراقبت می كنم خود را تواناتر و بالا تر از هر چیز احساس می كنم. |  |  |  |  |  |
| 31 | نسبت به بیشتر بچه ها عادت به تغیرات در برنامه ها یا در منزل برای فرزندم سخت تر است. |  |  |  |  |  |
| 32 | وقتی چیزی را كه دوست ندارد اتفاق می افتد، عكس العملهای شدیدی از خود نشان دهد. |  |  |  |  |  |
| 33 | گذاشتن فرزندم با كسی دیگر در منزل معمولا مشكل است. |  |  |  |  |  |
| 34 | در برابر كوچكترین چیزها، فرزندم به آسانی برافروخته می شود. |  |  |  |  |  |
| 35 | صداهای بلند و نور زیاد توجه فرزندم را به آسانی جلب می كنند و عكس العمل شدیدی را در او بوجود می آورند. |  |  |  |  |  |
| 36 | تنظیم برنامه خواب وغذای فرزندم سخت تر از آن بود كه انتظار داشتم. |  |  |  |  |  |
| 37 | معمولا فرزندم مدتی از یك اسباب بازی جدید اجتناب می كند قبل از آنكه با آن بازی كند. |  |  |  |  |  |
| 38 | برای فرزندم بسیار سخت است و مدتها طول می كشد تا به چیزهای جدید عادت كند. |  |  |  |  |  |
| 39 | وقتی فرزندم با غریبه ها مواجه می شود احساس ناراحتی نمی كند. |  |  |  |  |  |
| 40 | وقتی برافروخته می شود :1- به آسانی آرام می شود. 2- تقریبا آرام كردن او مشكل است. 3- ایجاد آرامش در او سخت تر از آن است كه من انتظار دارم. 4- آرام كردن او بسیار مشكل است. 5- هیچ یك از كارهای من به آرام كردن او كمك نمی كند. |
| 41 | به این نتیجه رسیدم كه وادار كردن یا منع كردن فرزندم از انجام كاری :1- بسیار سخت تر از انتظار من است. 2- كمی سخت تر از حد انتظار من است. 3- تقریبا از اندازه انتظار من سخت تر است 4- كمی آسان تر از حد انتظار من است. 5- بسیار آسان تر از حد انتظار من است |
| 42 | با دقت فكر كنید و تعداد كارهایی را كه فرزندتان انجام می دهد و باعث ناراحتی شما می شود مشخص كنید مانند اتلاف وقت، گوش ندادن به حرف، بیش فعالی گریه، مزاحمت، دعوا، نق زدن ….. 1- 1تا 3 مورد 2- 4 تا 5 مورد 3- 6 تا 7 مورد 4- 8 تا 9 مورد 5- 10 و بیشتر  |
| 43 | گریه فرزندم معمولا :1- كمتر از 2 دقیقه طول می كشد. 2- 2 تا 5 دقیقه طول می كشد. 3- 5 تا 10 دقیقه طول می كشد. 4- 10 تا 15 دقیقه طول می كشد. 5- بیش از 15 دقیقه طول می كشد.  |
| 44 | بعضی از كارهای فرزندم به شدت مرا ناراحت می كند.  |  |  |  |  |  |
| 45 | مشكلات مربوط به سلامت فرزندم، بیش از حد انتظار من هستند. |  |  |  |  |  |
| 46 | هر اندازه فرزندم بزرگتر و مستقل تر می شود، نگرانی من هم از اینكه آسیب ببیند یا دچار ناراحتی شود، افزایش می یابد. |  |  |  |  |  |
| 47 | بزرگ شدن فرزندم بیش از حد انتظار من، درد سرهایی را ایجاد كرده است. |  |  |  |  |  |
| 48 | بنظرمی رسدكه مراقبت از فرزندم بسیار سخت تر از اغلب بچه های دیگراست. |  |  |  |  |  |
| 49 | فرزندم دائم به من آویزان است. |  |  |  |  |  |
| 50 | خواسته های فرزندم از من، بیشتر از اغلب بچه های دیگر است. |  |  |  |  |  |
| 51 | بدون برخورداری از كمك دیگران، نمی توانم تصمیم بگیرم. |  |  |  |  |  |
| 52 | مشكلات من در بزرگ كردن فرزندانم بسیار بیشتر از حد انتظار است. |  |  |  |  |  |
| 53 | از والد بودن ( پدر یا مادر ) لذت می برم. |  |  |  |  |  |
| 54 | وقتی می خواهم فرزندم كاری را انجام دهد یا انجام ندهد، احساس می كنم كه دراغلب مواقع موفق هستم. |  |  |  |  |  |
| 55 | وقتی آخرین فرزندم را از بیمارستان به خانه آوردم، احساس كردم نمی توانم آنطور كه فكر می كردم از وی مراقبت كنم و به كمك احتیاج داشتم. |  |  |  |  |  |
| 56 | اغلب احساس می كنم كه نمی توانم كارها را به خوبی انجام دهم. |  |  |  |  |  |
| 57 | وقتی به خودم به عنوان یك والد فكر می كنم عقیده دارم كه :1- می توانم از عهده اغلب چیزها به خوبی برآیم. 2- نمی توانم از عهده اغلب چیزها به خوبی بر آیم. 3- گاهی تردید دارم اما فكر می كنم كه از عهده اغلب چیزها بدون هیچ مسئله أی بر آیم. 4- تردید دارم كه بتوانم از عهده كارها برآیم. 5- فكر نمی كنم كه به هیچ وجه بتوانم از عهده كارها برآیم. |
| 58 | احساس می كنم كه من :1- والد بسیار خوبی هستم. 2- بهتر از یك والد متوسط هستم. 3- یك والد متوسط هستم. 4- یك والد خوب نیستم. 5- كسی هستم كه برای والد بودن مشكلاتی دارد.  |
| 59 | بالاترین سطح تحصیلی خود را ( مادر ) مشخص كنید. مادر :1- كلاس اول تا سوم راهنمایی. 2- كلاس سوم راهنمایی تا دیپلم. 3- مدرسه حرفه أی یا هر فوق دیپلم دیگر. 4- لیسانس. 5- فوق لیسانس یا رشته های تخصصی. |
| 60 | بالاترین سطح تحصیلی خود را ( پدر) مشخص كنید. پدر:1- كلاس اول تا سوم راهنمایی. 2- كلاس سوم راهنمایی تا دیپلم. 3- مدرسه حرفه أی یا هر فوق دیپلم دیگر. 4- لیسانس. 5- فوق لیسانس یا رشته های تخصصی. |
| 61 | فهمیدن آنچه كه فرزند شما می خواهد یا نیاز دارد، تا چه اندازه أی برای شما آسان است. 1- خیلی آسان. 2- آسان. 3- گاهی آسان. 4- بسیار سخت. 5- معمولا نمی توانم مسئله را بفهمم.  |
| 62 | خیلی طول می كشد تا والدین به احساسات گرم و صمیمی نسبت به فرزند خود دست یابند. |  |  |  |  |  |
| 63 | من انتظار داشتم كه احساساتم نسبت به فرزندم، گرم تر و صمیمی تر از احساس كنونی ام باشد و این مسئله مرا ناراحت می كند. |  |  |  |  |  |
| 64 | گاهی فرزندم فقط برای اینكه مرا آزار دهد، كارهای ناراحت كننده می كند. |  |  |  |  |  |
| 65 | وقتی جوان بودم بغل كردن یا مراقبت از كودكان هرگز برایم راحت نبود. |  |  |  |  |  |
| 66 | فرزندم می داند كه من مادر ( یا پدر ) او هستم و از من بیش از دیگران انتظار دارد. |  |  |  |  |  |
| 67 | تعداد فرزندان من در حال حاضر خیلی زیاد است. |  |  |  |  |  |
| 68 | بیشتر وقت زندگی من، صرف كارهایی برای فرزندم می شود. |  |  |  |  |  |
| 69 | هرگز انتظار نداشتم بخش عمده أی از زندگیم را برای رفع احتیاجات فرزندم صرف كنم. |  |  |  |  |  |
| 70 | احساس می كنم كه مسئولیت هایم به عنوان والد ( مادر یا پدر ) مرا در دام خود اسیر كرده است. |  |  |  |  |  |
| 71 | اغلب احساس می كنم كه زندگیم وقف ارضای نیازهای فرزندم شده است. |  |  |  |  |  |
| 72 | از وقتی این بچه به دنیا آمده نتوانسته ام كارهای جدید و متفاوتی را انجام دهم. |  |  |  |  |  |
| 73 | از وقتی بچه دار شده ام احساس می كنم كه هرگز نتوانسته ام كارهای مورد علاقه ام را انجام دهم. |  |  |  |  |  |
| 74 | به سختی می توانم در منزلمان جایی را پیدا كنم تا در آنجا تنها باشم. |  |  |  |  |  |
| 75 | وقتی درباره خودم به عنوان والد ( مادر یا پدر ) فكر می كنم اغلب احساس بدی بدی نسبت به خودم دارم یا احساس گنهكاری می كنم. |  |  |  |  |  |
| 76 | در مورد آخرین لباسی كه برای خودم خریدم احساس ناراحتی می كنم. |  |  |  |  |  |
| 77 | وقتی فرزندم بیش از حد ناراحتی یا بد رفتاری می كند، خود را مسئول می دانم و مانند این است كه كاری را به درستی انجام نداده ام |  |  |  |  |  |
| 78 | هر بار كه فرزندم اشتباهی می كند، خود را واقعا مقصر می دانم. |  |  |  |  |  |
| 79 | اغلب درباره چگونگی احساسم نسبت به فرزندم، احساس گناه می كنم. |  |  |  |  |  |
| 80 | چیز های بسیار كمی درمورد زندگیم مرا نگران می كنند. |  |  |  |  |  |
| 81 | پس از ترك بیمارستان با نوزادم، غمگین تر و افسرده تر از آن بودم كه انتظار داشتم. |  |  |  |  |  |
| 82 | وقتی نسبت به فرزندم عصبانی می شوم در نهایت احساس گناه می كنم و این احساس مرا ناراحت می كند. |  |  |  |  |  |
| 83 | تقریبا یكماه پس از آنكه فرزندم را از بیمارستان به خانه آوردم، احساس كردم كه بیش از حد انتظار غمگین و افسرده ام. |  |  |  |  |  |
| 84 | از وقتی فرزندم به دنیا آمده، از كمك و حمایت همسرم ( یا دوستانم ) در حدی كه انتظار داشتم برخوردار نبوده ام. |  |  |  |  |  |
| 85 | بچه دار شدن، بیش از حد انتظار، مشكلاتی در روابط با همسرم ایجاد كرده است |  |  |  |  |  |
| 86 | از وقتی بچه دار شده ام من و همسر ( یا دوستانم ) نتوانسته ام بسیاری از كارها را با هم انجام دهیم. |  |  |  |  |  |
| 87 | از وقتی بچه دار شده ام من همسرم، آنطور كه از یك خانواده انتظار می رود، اوقات زیادی را با هم نمی گذرانیم. |  |  |  |  |  |
| 88 | از وقتی آخرین فرزندم به دنیا آمده است به مسائل جنسی رغبت كمتری دارم. |  |  |  |  |  |
| 89 | بنظر می رسد كه بچه دار شدن، تعداد مسائلی را كه با خانواده همسرم و خویشاوندان داشته ایم افزایش داده است. |  |  |  |  |  |
| 90 | بچه داشتن، پر خرج تر از بوده است كه انتظار داشتم. |  |  |  |  |  |
| 91 | من احساس می كنم كه تنها و بدون دوست هستم. |  |  |  |  |  |
| 92 | وقتی به مهمانی می روم معمولا انتظار ندارم كه به من خوش بگذرد. |  |  |  |  |  |
| 93 | رغبت و توجه من نسبت به دیگران، مانند گذشته نیست. |  |  |  |  |  |
| 94 | اغلب احساس می كنم كه افراد همسالم از معاشرت با من خوششان نمی آید. |  |  |  |  |  |
| 95 | وقتی در مراقبت با فرزندم با مشكلی مواجه می شوم، افراد زیادی هستند كه می توانم از آنها كمك یا راهنمایی بخواهم. |  |  |  |  |  |
| 96 | از وقتی بچه دار شده ام كمتر می توانم دوستانم را ببینم یا دوستان جدیدی پیدا كنم. |  |  |  |  |  |
| 97 | در شش ماه گذشته، بیمار تر از معمول بوده ام و یا بیش از معمول درد و رنج داشته ام. |  |  |  |  |  |
| 98 | از لحاظ جسمانی حالم اغلب خوب است. |  |  |  |  |  |
| 99 | بچه دار شدن، تغییراتی را در من ایجاد كرده. |  |  |  |  |  |
| 100 | چیزها برایم مانند گذشته لذت بخش نیست |  |  |  |  |  |
| 101 | از وقتی بچه دار شده ام. 1- اغلب بیمار بوده ام. 2- حالم زیاد خوب نبوده. 3- نسبتا فرقی نكرده است. 4- وضع سلامتم تغییری نكرده است. 5- وضع سلامتم بهتر شده است.  |

**روش نمره گذاری و تفسیر:**

این پرسشنامه دارای 101 سوال بوده که گزینه های آن بر اساس طیف لیکرت طراحی شده اند. در تمامی سوالات به جز سوالات 15، 16، 40، 41، 42، 43، 57، 58، 59، 60، 61 و 101 گزینه کاملا مخالفم 1 نمره، گزینه مخالفم 2 نمره، گزینه مطمئن نیستم 3 نمره، گزینه موافقم 4 نمره و گزینه کاملا موافقم 5 نمره را کسب خواهد کرد. اما در سوالات 15، 16، 40، 41، 42، 43، 57، 58، 59، 60، 61 و 101 گزینه های 1، 2، 3، 4،و 5 به ترتیب نمره های 1، 2، 3، 4، و 5 را کسب خواهند نمود.

هر چه جمع کلی نمرات پرسشنامه بیشتر باشد، بیانگر حساسیت بیشتر والدین به فرزند خواهد بود.

ماخذ :آزمایشگاه روان شناسی دانشگاه شهید بهشتی